

**نامه سرگشاده به برادران**

**«قرآنی» نام!..**

**بقلم:**

**دکتر علیرضا دلیری**

عنوان کتاب: نامه سرگشاده به برادران «قرآنی» نام!..

بقلم: دکتر علیرضا دلیری

مترجم:

موضوع: حدیث و سنت - حجیت و جایگاه حدیث و سنت

نوبت انتشار: اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار: آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری

منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[book@aqeedeh.com](mailto:book@aqeedeh.com)

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[www.mowahedin.com](http://www.mowahedin.com)

[www.islamtxt.com](http://www.islamtxt.com)

[www.videofarsi.com](http://www.videofarsi.com)

[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)

[www.zekr.tv](http://www.zekr.tv)

[www.sadaislam.com](http://www.sadaislam.com)

[www.mowahed.com](http://www.mowahed.com)



[contact@mowahedin.com](mailto:contact@mowahedin.com)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فهرست مطالب

- فهرست مطالب.....أ
- دریچه..... ١
- سنت از زبان قرآن ..... ٧
- سخن پیامبر وحی الهی است!..... ٧
- اطاعت از سنت شرط ایمان است!..... ٨
- اطاعت از پیامبر اطاعت از خداست!..... ٩
- انکار سنت مایه خشم خداست!..... ١١
- امت و پیروی از سنت!..... ١٢
- حدیث و قرآن شانه به شانه!..... ١٣
- جایگاه سنت در دین..... ١٥



## دریچه

با شدت گرفتن روند تشیع صفوی در جامعه ایران، و قدرت یافتن غالیان شیعه، و کنار رفتن بسیاری از پرده‌ها و روی آب آمدن بسیاری از واقعیت‌ها، حقانیت تلخ شرک‌آلودی که در کتاب‌های تشیع نهفته است، و صفوی مشربان از ظاهرکردن آن شرم داشتند، یکی پس از دیگری به بازار کاسبان مذهب اضافه می‌گردد..

در حالی که دنیا سخن از جهانی شدن و تضادهای فرهنگی می‌زند، و چشم‌ها به جلو حرکت می‌کند، جامعه ایران طبل امام زمان به گردن آویزان نموده با فاحشه‌گری و بی‌بندوباری و قبرپرستی و انبوه کینه و حقد و فتنه‌افروزی و تبعیض نژادی و نظام طبقاتی و تقدس‌مآبی عمامه‌داران با سرعت سرسام‌آوری بسوی باتلاق خزعبلات و خرافات در حرکت است...

البته در مقابل این چهره تار، و این عار فکری که تاریخ ایران با آن دست به گریبان است، چهره‌ی نورانی مردان و جوانان روشنفکر و فرهنگیان بیدار و آگاه است که از زیر بار خرافات رسته، در سایه تعالیم قرآن از قبرها فرار کرده سرسجده در مقابل پروردگار یکتا به زمین نهاده‌اند.. درخت توحید روز بروز تنومندتر شده، شاخ و برگ‌هایش به تمامی شهرها و روستاهای کشور رسیده است..

درگیر و دار انتقال از سرزمین باورهای شرک‌آمیز تشیع صفوی تا رسیدن به کعبه توحید ابراهیمی مسیری است طولانی. اگر دیروز مشرک قریشی با بر زبان راندن کلمه شهادت به آغوش اسلام می‌پیوست، امروز عقلی که در لانه عنکبوتی صفویت بافته شده، نیاز به زمان دارد تا بتواند از گیر و دار تارها و باورهای خرافاتی نجات یابد. چون او امروز بتهایی که واسطه خدا و

بنده بودند را کنار نمی‌زند تا به خدای واحد برسد، بلکه امروز او از باورهای دروغین محبت رسول و آل رسول ساختگی بسوی رسول و آل رسول واقعی ﷺ می‌آید، سفری از افسانه به حقیقت و از بدعت‌های ریشه‌دار به سنت ناشناخته جلوی روی اوست...

در وسط این نقل و انتقال با گروهی برخورد می‌کنی که در ایران بدانها «قرآنی» می‌گویند. نیمی از چهره‌هایشان که قرآن بر آن تأیید گرفته و چرک‌های صفویت را از آن زدوده بسیار روشن و تابان است، ولی نیم چهره دیگرشان همچنان غبارآلود است!!

همیشه به برادران موحد و یکتاپرست ایرانی خود توصیه می‌کردم با این تازه‌نفس‌هایی که در مسیر راه توقف کرده‌اند، و در حال فرار از سرزمین افسانه‌ای محبت دروغین اهل بیت هستند به نرمی برخورد کنید، و به جای آنکه به آنها بتازید دست شفقت و مهر و دلسوزی به رویشان کشید، و از آب زلال زمزم توحید که در کنار کعبه ابراهیمی است به آنها بنوشانید. هرگز با آنها تنش ایجاد نکنید که آنها در راهند، اگر امروز نرسند فردا به حقیقت خواهند رسید. چرا که اینان جرأت و توان شکستن زنجیر تقلید مذهب صفویت را از گردن خود داشته‌اند، و این جرأت و مردانگی آنها را به سر منزل سعادت خواهد رسانید، و روزی درخواهند یافت که شهادت به خداوند را گواهی به صدق رسالت رسول اکرم ﷺ نیز همراهی می‌کند، و قرآن از زیر زمین نروئیده؛ بلکه آن را پیامبری آورده است، و کلمه شهادت و کلید دخول به اسلام از دو بخش تشکیل شده:

۱- «أشهد أن لا إله إلا الله» - گواهی و شهادت می‌دهم که هیچ معبودی

نیست مگر خدای یکتا..

۲- «وأشهد أن محمداً رسول الله» - و گواهی و شهادت می‌دهم که محمد رسول و فرستاده الله است..

پس محمد ﷺ رسول و فرستاده خداست تا نه تنها کتاب خدا را به ما برساند - که این را جبریل هم می‌توانست انجام دهد - بلکه آن کتاب را به ما بفهماند، و آن کتاب را در زندگی خود تطبیق دهد، و ما با دیدن او - کتاب با نمایش زنده - آیات کتابی که در صفحات نگاشته شده را به درستی درک کنیم. تا چشم ببیند آنچه را گوش می‌شنود..

به عبارتی واضحتر پیام الهی عبارت است از؛ پیک و نامه همراه!

نه رسول به تنهایی! و نه قرآن به تنهایی!..

گویا رسول هدایتی که در تعریف موحدان ایران زمین فرموده، گهرباری که به ایشان نسبت داده می‌شود را ورد زبان داریم؛ «اگر این دین در آسمان‌ها می‌بود مردانی از سرزمین فارس بدان می‌رسیدند!» پرده غیب الهی بدو چهره دیگری از مردان فارس را نیز نشان داده بود، آنانی که در منتصف راه جای خوش می‌کنند و خود را «قرآنی» می‌نامند!

پیام‌آور توحید، حضرت خاتم - علیه الصلاة والسلام - آنها را چنین تصویر می‌کند:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يُوشِكُ الرَّجُلُ مُتَّكِنًا عَلَى أَرِيكَتِهِ يُحَدِّثُ بِحَدِيثٍ مِنْ حَدِيثِي فَيَقُولُ: بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا وَجَدْنَا فِيهِ مِنْ حَلَالٍ اسْتَحَلَلْنَاهُ وَمَا وَجَدْنَا فِيهِ مِنْ حَرَامٍ حَرَمْنَاهُ أَلَا وَإِنَّ مَا حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِثْلُ مَا حَرَّمَ اللَّهُ» (حدیث صحیح، به روایت ابن ماجه).

«به زودی فردی پیدا می‌شود که مغرورانه بر مبل‌های خود تکیه داده، حدیثی از احادیث من برایشان روایت می‌شود، او می‌گوید: بین ما و شما

کتاب خداوند متعال قرار دارد؛ هر آنچه از حلال در قرآن بیابیم آن را حلال می‌دانیم، و آنچه را در قرآن حرام بیابیم، حرام می‌گیریم. ای مردم، آگاه باشید که هر آنچه را رسول خدا ﷺ حرام کرده است دقیقاً چون آن چیزی است که خداوند حرام کرده باشد!

سنت و راه و رسم زندگی پیامبر اکرم ﷺ و فرامین شرعی آنحضرت در نزد مسلمانان همواره همراه و هم‌پایه قرآن کریم بوده است.

اما رد فعلی که امروزه در کشور ما در بین دوستان قرآنی نام (!) بوجود آمده در حقیقت برمی‌گردد به تصور این عزیزان از سنت و حدیث. اینها از یک تجربه بسیار تلخ رنج می‌برند. تجربه حدیث و روایت در مذهب تشیع! در مذهب شیعه که اساسش بر پایه روایت‌ها و احادیث ساختگی بنا شده، کمتر حدیث و روایتی است که با سند و مدرک درست بتوان حقیقت آن را ثابت کرد. بیشتر قریب به اتفاق احادیث و روایات تشیع ساختگی بوده، در سند آنها افرادی مکار و دروغگو که ائمه آنها را لعن و نفرین نیز کرده‌اند وجود دارد. بخصوص احادیث و روایات مذهب صفوی حاکم بر ایران که خلاصه و چکیده چرک‌های جمیع مذاهب تشیعی است که در تاریخ شیعه سر بیرون آورده‌اند و در زباله‌دان تاریخ برای همیشه دفن شده‌اند. احادیث و روایات ساختگی آن مذاهبی که شیعه اثناعشری آنها را تکفیر می‌کند امروزه بر سر زبانهای مذهب‌سازان معاصر تشیع قرار گرفته است!

این به اصطلاح قرآنی‌ها با این تصور از روایات تاریخی به احادیث مسلمانان که در کتاب‌های معتبر حدیث تدوین شده می‌نگرند.

باری با آخوندی که در نیمه راه هدایت ایستاده، خود را قرآنی می‌نامید، روی این قضیه سخن به میان آمد. ایشان پس از یک سلسله بحث و بررسی به اهمیت حدیث پی‌بردند. ولی دو پا در یک کفش کردند که باید کتاب‌های حدیث دوباره مورد بحث و بررسی قرار گیرد. به ایشان گفتم که کتاب‌های



حدیث نه دوباره بلکه صدها بار مورد مراجعه قرار گرفته و همچنان کار در جریان خواهد ماند تا بروز قیامت. ولی بدانکه شخصیت‌هایی چون امام بخاری و امام مسلم و دیگران شروط و ضوابط و قوانینی بسیار سخت‌تر از هر آنچه به ذهن شما خطور می‌کند برای بررسی احادیث و قبول روایات از رسول خدا ﷺ گذاشته بودند، و بسیاری از احادیثی که امروزه در اختیار مسلمانان قرار دارد در زمان خود پیامبر اکرم ﷺ توسط شاگردان آن پیک آسمان در محضر آنحضرت نوشته شده، و بسیاری دیگر توسط صحابه و یاران آنحضرت جمع‌آوری شده است. اما اینکه حدیث در اواخر ایام صحابه و توسط تابعیان جمع‌آوری شده به معنای گردآوری به شکل گسترده و تدوین در کتاب‌های مخصوص این فن است.

اگر در این زمینه بخواهیم بحث کنیم سخن به درازا می‌کشد، و تنها حکایت جمع‌آوری حدیث و اهتمام به جمع‌آوری احادیث درست و ثابت از پیامبر اکرم ﷺ نیاز به چندین مجلد کتاب دارد که در کتابخانه اسلامی در این باره ده‌ها کتاب نوشته شده است.

از آن جمله می‌توان به کتاب‌های زیر مراجعه کرد:

تاریخ حدیث و ضبط و ثبت احادیث اثر عبدالله احمدیان

(<http://www.aqeedeh.com/book/424/>)

سنت در گذرگاه‌های تاریخ اثر محمد سلیم آزاد

(<http://www.aqeedeh.com/book/210/>)

سنت و جایگاه آن در شریعت اسلامی اثر مصطفی سباعی

(<http://www.aqeedeh.com/book/655/>)

نگاهی به اعتبار و جایگاه سنت اثر عبدالغنی عبدالخالق

(<http://www.aqeedeh.com/book/652/>)

جایگاه و منزلت سنت در اسلام اثر آلبانی

(<http://www.aqeedeh.com/book/759/>)

منزلت سنت در اسلام اثر حسین تاجی گله‌داری

(<http://www.aqeedeh.com/book/134/>)

جایگاه سنت در قانونگذاری اثر سباعی

(<http://www.aqeedeh.com/book/677/>)

تنها برای روشن شدن اهمیت و جایگاه سنت رسول اکرم ﷺ و احادیث ایشان و اهمیت آنها در فهم قرآن کریم و جایگاه آنها در بنیانگذاری و اساس دین به خود قرآن مراجعه می‌کنیم تا دریابیم نظر قرآن که دوستان نام آن را بر خود شرف می‌دانند در این زمینه چیست؟ و گمان نمی‌کنم عزیزان سخنی از قرآن را زیر پا بگذارند که خدای ناخواسته اگر چنین کنند، چه فرقی خواهد بود بین آنها و بین شیعه صفوی که از آن فرار کرده‌اند؟!

## سنت از زبان قرآن

### سخن پیامبر وحی الهی است!

۱- قرآن کریم می‌گوید: سخن پیامبر وحی الهی است، و پیامبر هر آنچه می‌گوید برگرفته از وحی خداوند است، و وحی او را زیر نظر دارد، اگر چنانچه حرفی مخالف با واقعیت شرعی از او سرزند بلا فاصله وحی او را تصحیح می‌کند. پس سخن پیامبر را بپذیرید و به آنچه می‌گوید عمل کنید که هیچ فرقی بین مصدر قرآن و سنت الهی نیست، هردو از خورشید تابان وحی سرچشمه می‌گیرند، و اساس شریعت اسلامی بر هردو بنا شده است:

(أ) ﴿وَالْتَجَمَّ إِذَا هُوَ ۝١ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى ۝٢ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۝٣ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ۝٤﴾ [النجم: ۱-۴] «قسم به ستاره چون فرود آید \* که صاحب شما (محمد مصطفی) هیچ‌گاه در ضلالت و گمراهی نبوده است. \* و هرگز به هوای نفس سخن نمی‌گوید \* سخن او هیچ غیر وحی خدا نیست».

(ب) ﴿إِنْ أَتَّبِعْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ﴾ [الأنعام: ۵۰] «من پیروی نمی‌کنم جز آنچه را که به من وحی می‌رسد».

(ت) ﴿... وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا ۝١٣﴾ [النساء: ۱۱۳] «و خدا به تو این کتاب (قرآن مجید) و حکمت (سنت) را عطا کرده و آنچه را که

نمی‌دانستی به تو پیاموخت، و خدا را با تو لطف عظیم و عنایت بی‌اندازه است».

حکمت در بیشتر آیات قرآنی به معنای سنت پیامبر اکرم ﷺ آمده است. ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿١٠٦﴾﴾ [الجمعة: ١٢] «اوست که در میان مردم بی‌سواد، پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و آنان را [از آلودگی‌های فکری و روحی] پاکشان کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت (سنت) بیاموزد، و آنان به یقین پیش از این در گمراهی آشکاری بودند».

و در سوره بقره: ﴿رَبَّنَا وَأَبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٢٩﴾﴾ [البقرة: ١٢٩] «پروردگارا! در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیز، که آیات تو را بر آنان بخواند، و آنان را کتاب و حکمت بیاموزد، و [از آلودگی‌های ظاهری و باطنی] پاکشان کند؛ زیرا تو توانای شکست‌ناپذیر و حکیمی».

خود پیامبر ﷺ بارها می‌فرمودند: «أَلَا إِنِّي أُوتِيتُ الْكِتَابَ، وَمِثْلَهُ مَعَهُ»؛ (ابوداود) - بدانید که خداوند به من قرآن و مثلش را داده ...-

### اطاعت از سنت شرط ایمان است!

۲- قرآن کریم قبول کردن سنت پیامبر اکرم ﷺ را یکی از ارکان و پایه‌های اساسی ایمان برشمرده است. قبول هر آنچه از پیامبر اکرم ﷺ آمده دلیلی است بر صحت ایمان، در غیر اینصورت ایمان فرد ناتمام است. درست چون کسی که نیمی از شهادت «أشهد أن لا إله

إِلَّا اللَّهَ» را بپذیرد و از نیم دیگر آن که «أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» باشد چشم‌پوشی کند:

أ) ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ ﴿٥٥﴾ [النساء: ٦٥] «به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن نخواهند بود، مگر آنکه تو را در آنچه میان خود نزاع و اختلاف دارند به داوری بپذیرند؛ سپس از حکمی که کرده‌ای در وجودشان هیچ دل تنگی و ناخشنودی احساس نکنند، و به طور کامل تسلیم شوند».

ب) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ۗ فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۚ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ ﴿٥٩﴾ [النساء: ٥٩] «ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و [نیز] از پیامبر اطاعت کنید، و همچنین از صاحبان امر خودتان. و اگر درباره چیزی نزاع داشتید، آن را [برای فیصله یافتنش] اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، به خدا و پیامبر ارجاع دهید؛ این [ارجاع دادن] برای شما بهتر و از نظر عاقبت نیکوتر است».

### اطاعت از پیامبر اطاعت از خداست!

۳- و در بیش از ۵۰ آیت قرآن کریم به صراحت مؤمنان را دستور می‌دهد تا از خداوند و از پیامبرش پیروی کنند، و طاعت و فرمانبرداری از پیک آسمان ﷺ مرادف با طاعت و فرمانبرداری خداوند متعال شمرده می‌شود. از آن جمله است:

أ) ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا﴾ ﴿۸۰﴾ [النساء: ۸۰] «هرکه از پیامبر اطاعت کند، در حقیقت از خدا اطاعت کرده و هر که روی برتابد [حسابش با ماست.] ما تو را بر آنان نگهبان [اعمالشان که به طور اجبار از فسق و فجور حفظشان کنی] نفرستادیم».

ب) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنكُمْ﴾ [النساء: ۵۹] «ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و [نیز] از پیامبر اطاعت کنید. و همچنین از صاحبان امر خودتان ...».

امام ابن کثیر می‌گوید: اطاعت از پیامبر همان پیروی از سنت اوست. البته با دقت در این آیه مبارکه متوجه می‌شویم که فعل امر «اطاعت کنید» ﴿أَطِيعُوا﴾ برای خداوند متعال و پیامبر تکرار شده است. و این تکرار فعل امر از نظر بیان عرب دلالت بر استقلالیت و شمولیت آن دارد. به این معنا که اطاعت از پروردگار و اطاعت از پیامبر بصورت مطلق و همیشگی و غیر قابل بحث و بررسی و چون و چراست. در حالیکه عطف ﴿أُولِيَ الْأَمْرِ﴾ بر اطاعت پیشین به این اشاره دارد که اطاعت از سران و صاحبان امر تنها در مواردی که در آن اطاعت از خداوند و پیامبر باشد جایز است. در غیر اینصورت بر هیچ مخلوقی جایز نیست که در آنچه نافرمانی خدا و رسول در آن است از بنده‌ای دیگر فرمان ببرد!

ت) ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ ﴿۳۱﴾ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكٰفِرِينَ ﴿۳۲﴾ [آل عمران: ۳۱-۳۲] «بگو: اگر خدا را دوست دارید، پس مرا پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست بدارد، و

گناهانتان را بیامرزد؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است \* بگو: از خدا و پیامبر اطاعت کنید. پس اگر روی گردانیدند [بدانند که] یقیناً خدا کافران را دوست ندارد».

### انکار سنت ماهیه خشم خداست!

۴- قرآن سرپیچی از دستورات و فرامین و سنت رسول اکرم ﷺ را موجب خشم و عقاب الهی برمی شمرد، از فرموده‌های قرآن:

ث) ﴿لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدَعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۳] «دعوت پیامبر را در میان خود مانند دعوت بعضی از شما از بعضی دیگر قرار ندهید، خدا کسانی از شما را که برای [بی‌اعتنایی به دعوت پیامبر] با پنهان شدن پشت سر دیگران آهسته از نزد او بیرون می‌روند می‌شناسد. پس باید کسانی که از فرمانش سرپیچی می‌کنند، برحذر باشند از اینکه بلایی [در دنیا] یا عذابی دردناک [در آخرت] به ایشان رسد».

ج) ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا﴾ [النساء: ۸۰] «هر که از پیامبر اطاعت کند، در حقیقت از خدا اطاعت کرده و هر که روی برتابد [حسابش با ماست]. ما تو را بر آنان نگهبان [اعمالشان که به طور اجبار از فسق و فجور حفظشان کنی] نفرستادیم».

### امت و پیروی از سنت!

۵- و یادمان نرود که امت اسلامی از روز نخست که پیامبر اکرم ﷺ در میان یارانش قرآنی بود که با دو پا راه می‌رفت، و پس از وفاتش و تا به امروز بر اهمیت سنت و عمل به آن و پیروی از آن اتفاق نظر دارد، و جز این چند تنی که در میانه راه مانده‌اند هیچ کسی در جایگاه سنت شکی نداشته و ندارد. زیرا امت همیشه در می‌شنید که قرآن می‌گوید:

(أ) ﴿...وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝۷﴾ [الحشر: ۷] «... آنچه را پیامبر به شما عطا کرد بگیرید و از آنچه شما را نهی کرد، باز ایستید و از خدا پروا کنید؛ زیرا خدا سخت کیفر است».

(ب) ﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۝۵۴﴾ [النور: ۵۴] «بگو: خدا را [در همه امور] اطاعت کنید و این پیامبر را نیز اطاعت کنید؛ پس اگر روی بگردانید [زبانی متوجه نهاده شده و بر شما هم آن [مسئولیتی] است که بر عهده شما نهاده شده است. و اگر او را اطاعت کنید هدایت می‌یابید. و بر عهده این پیامبر جز رساندن آشکار [پیام وحی] نیست».

(ت) ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ۝۲۱﴾ [الأحزاب: ۲۱] «یقیناً برای شما در



[روش و رفتار] پیامبر خدا الگوی نیکویی است برای کسی که همواره به خدا و روز قیامت امید دارد؛ و خدا را بسیار یاد می‌کند».

### حدیث و قرآن شانه به شانه!

حدیث پیامبر اکرم ﷺ همانطور که اشاره شد، در ترتیب قانونگذاری همراه و همگام با قرآن کریم است. برای درک حکم شریعت ما اول در قرآن جستجو می‌کنیم، اگر حکم ثابت و واضحی نیافتیم فوراً به سنت رجوع می‌کنیم، دقیقاً همان چیزی که رسول خدا یاران و شاگردانش را بر آن تربیت می‌کرد.

آن حضرت چون معاذ بن جبل رضی الله عنه را به عنوان قاضی به سوی یمن گسیل داشتند، از او پرسیدند چگونه حکم می‌کند. ایشان گفتند: بر اساس آنچه در کتاب خداست قضاوت می‌کنم. پیامبر اکرم ﷺ پرسیدند: اگر در کتاب خدا نبود؟ ایشان گفتند: به سنت رسول خدا رجوع می‌کنم. پیامبر پرسیدند: اگر در سنت رسول خدا نیافتی؟ ایشان گفتند: با دقت و تیزبینی اجتهاد می‌کنم! پیامبر خوشحال شده فرمودند: سپاس خدای را که پیک رسول خدا را بدان چیزی توفیق داد که مایه خوشنودی رسول خداست.



## جایگاه سنت در دین

حال بصورتی فشرده و گذرا به نقش سنت و علاقه مباشر آن با قرآن کریم اشاره می‌کنیم تا اهمیت سنت و جایگاه آن بیشتر برای دوستان روشن گردد:

۱- قرآن کریم در بسیاری موارد احکام شریعت را بصورتی مجمل بیان می‌کند، و این سنت پیامبر خداست که تفصیل و شرح آنها را بیان می‌دارد: مثلاً قرآن بصورت اجمالی می‌گوید: نماز بر پا دارید، زکات بدهید، روزه بگیرید، و...

این سنت پیامبر اکرم ﷺ است که به ما نحوه نماز خواندن، و تعداد رکعات و وقت‌های پنجگانه آن، و سایر تفصیل نماز و روزه و زکات و سایر معاملات را می‌آموزاند. پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي» (بخاری) «نماز بر پا دارید درست بصورتی که مرا دیدید که نماز می‌خوانم».

ابن مبارک آورده است: روزی مردی به صحابی پیامبر ﷺ؛ عمران بن حصین روی کرده گفت: تنها از قرآن برای ما بگو، و از سنت هیچ برایمان نگو! آن صحابی از کوچکی عقل آن مرد حیرت‌زده شده به او گفت: **واقعا تو مرد احمقی هستی!** آیا در کتاب خدا دیده‌ای که نماز ظهر چهار رکعت باشد و در آن با صدای پست قرائت بخوانی؟!

سپس در مورد نماز و زکات و مواردی دیگر نیز چنین گفت، سپس به او گفت: آیا تفصیل و شرح این‌ها را در کتاب خدا می‌یابی؟! کتاب خدا بصورت اجمالی بیان داشته و سنت پیامبر خدا آن را شرح داده است<sup>(۱)</sup>.

۲- قرآن در مواردی احکام شریعت را بصورت عموم مطرح می‌کند، و تخصیص آن را به عهده سنت می‌گذارد. قرآن می‌گوید که فرزندان از والدین ارث می‌برند، و سنت قاتل را از ارث بردن محروم می‌کند. قرآن برای برقراری امنیت جامعه به بریدن دست دزد فرمان می‌دهد و سنت قیمت چیز دزدیده شده، و مقدار دستی که باید بریده شود را مشخص می‌کند.

۳- چه بسا در فهم برخی آیات سوء تفاهمی ایجاد می‌شود، که سنت آن را تصحیح می‌کند.

وقتی خداوند متعال فرمودند: ﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾ [الأَنْعَام: ۸۲] «آنان که ایمان آورده و ایمان خود را به ستمی نیالودند ایمنی آنها راست و هم آنها حقیقتاً هدایت یافته‌اند».

مؤمنان را وحشت برداشت که همه انسانها حداقل اگر به کسی دیگر نه، گاهی به خود ظلم می‌ورزند. پیامبر اکرم ﷺ این فهم را تصحیح نموده فرمودند: ظلم در این آیه شرک ورزیدن به خداوند متعال است.

۴- و چه بسا پیامبر ﷺ احکام و دستوراتی را که قرآن بدانها اشاره نکرده است، را برای مسلمانان وضع می‌کند. مثلاً؛ قرآن از محارمی که

۱- وروی ابن المبارک عن عمران بن حصین أنه قال لرجل: إنك رجل أحمق أتجد الظهر في كتاب الله أربعاً لا يبجر فيها بالقراءة! ثم عدد عليه الصلاة والزكاة ونحو هذا ثم قال: أتجد هذا في كتاب الله مفسراً! إن كتاب الله تعالى أهم هذا وإن السنة تفسر هذا.

ازدواج با آنها درست نیست، سخن گفته، و حرفی از خاله و عمه‌ی زن نزده، سنت این مورد را به عنوان قانون و تشریح مستقلی به مؤمنان امر می‌کند که جایز نیست مردی در یک زمان خانمی و خاله‌اش و یا عمه‌اش را به عقد ازدواج درآورد!

و سنت قانون برابری تحریم هم‌شیری با تحریم نسب را وضع کرده است:

«يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعَةِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» (رواه البخاری).

و سنت بسیاری دیگر از قوانین شرعی چون زکات فطر و حرام بودن گوشت الاغ و حیواناتی که ناب (نیش) دارند را بصورت کاملاً مستقل وضع کرده است.

با توجه به آنچه عرض شد ما در دین خود نمی‌توانیم افرادی با پلاکارد «قرآنی» داشته باشیم، بلکه شعار و محتوای دین عبارت است از قرآن و سنت.. کتابی که از آسمان آمده و معلم و استادی که خداوند او را برای رساندن و شرح کتاب خود تربیت و راهنمایی نموده است. نامه و پیک آسمان هردو با هم اساس شریعت خداوند می‌باشند. و یکی بدون دیگری نمی‌تواند معنا و مفهومی داشته باشد..

انتظار می‌رود دوستانی که در میانه راه مانده‌اند، باز خورجین معرفت بگیرند و با همت و جرأتی که از زیر بار خرافات تشیع صفوی توانست آنها را نجات دهد راهشان را ادامه دهند تا به سر منزل سعادت، بدانجایی که رسول پاک پروردگار نقش پای خود را نهاده برسند...